

# نوروز مَرز یغناپ

سید برهان الدین بزرگمهر

بزوهشگاه زبان و ادبیات فارسی رودکی - تاجیکستان



[در شیوه نگارش مقاله که بگونه فارسی تاجیکی است تغییری داده نشده است.]

## مقدمه بر مقاله نوروز مَرز یغناپ

یغناپیان یک جزء اصیل و تاریخی و ناگسشتنی تاجیکانند. مردم سترزمین افسانه ای و باستانی یغناپ با یکی از شاعران های زبان سُغدی (پارسی میانه) حرف می‌زنند. از این رو عُرف و عادت و زشم و رسوم خویش را تا امروز نگاه داشته اند. یغناپ (و یا یغناپره) سرایبا کوهستان است. و مردمش پاسداران اصیل زبان باستانی سُغدی گویندی مردم اینجا (یعنی یغناپیان) با زبان یغناپی - یعنی سُغدی نوین، حرف زنند هم ایجادیات شفاهی شان (به ویژه چند ابیات این مقاله) زیادت با زبان فارسی تاجیکی آفریده شده است.

باکمال احترام و سپاس بندگی

\*\*\*

یکی از مقدس ترین عیدهای مردم ایرانی نژاد که اعتبار ملکوتی دارد این عید نوروز عالم افروز به حساب می‌رود. بنا به روایتی که در اوستای مقدس درباره نوروز آمده است، مبدأ مقدس و تواناترین تواناها هرمز (هورامزدا) پس از ۳۰۰۰ سال پادشاهی از جانب قوه جهالت و رذالت، مبدأ تاریکی اهریمن با لشکریانش که تاریکی از ظلمات محسوب



میشدند، تعرض سر میشود. قوه انبیهی و روشنایی هر مز جهت محو نمودن اهریمن روشنی را پیدا نموده بر ضد دشمنش روانه مینماید. طبق این روایت گویا این روز پیروزی پیدایش روشنایی اولین نوروز (روز نو) نامیده شده است. مثل دیگر خلقها و طائفه های آریایی مردم سفدزیان یغنا باستان نیز از عصرها به این طرف جشن مقدس نوروز را پیر و برنا بطور خلاصه استقبال میگیرند. در این مرز مقدس - اجدادی که سراپا کوهستان افسانه ای است، عید نوروز موافق رسوم بابایی جشن گرفته می شود. هنگام حلول عید نوروز فرخنده بی مردم خانه و حوالی های خود را روب و چین و تازه میکنند. از موضع گجوره (نزدیکی: دیهه ساکن)، که مکان گج سفید است، پیشکی گج آورده داخل خانه هارا با آن سفید میکنند که آن به هر خانه نور نو بخشیده، نور بالای نور میشود. در هر خانه شمع فروزان میکنند (در دو - سه شب ایام عید) در اینکرها (آشتان - آشتان) سفدی آتش مقدسی از هر روزه دیده بلندتر، یعنی تا به موری (دودیرا) زبانه زده، دود ابر آسا سفیدی آن بوی سپند را به فضا و به تمام یغنا دره پهن میکند. موافق روایت پیران سفدی تنها آتش مقدس و بوی سپند میتوانسته است که مبدأ بدی و تاریکی اهریمن را محو سازد تا اینکه مردم بی خوف و خطر عید نوروز را استقبال گیرند. سه روز قبل از سال نو (یعنی نوروز) مردم کلهج های با لذت پخته، به خانه دختر، خواهر، برادر و خویش و تبار و دوستان خود میبرند. این را در شیوه سفدی بیدیوزک میگویند. والدان آن روزها اعتبار خاصی دارند. خویش و تبار نزدیکان باهم جمع می آیند. همه این به خاطر آن است که سال نو را در گرد یک دسترخوان کلان یکجا به جشن بگیرند. در هر خاندان پس از تناول خوراکی ها و ناز و نعمت های عیدانه، مردها یک جا نشسته بزم شعر و سرود و یا قصه و روایت گوئی را تشکیل میکنند. در عرفه نوروز هر خانواده

آتشدان نوروزی درست کرده به بالایش دنگ سفتک یا شلنگ میماند. شب سال نو کسی خواب نمیکند. هر عضو عایله تا دم صبح برای تریک کشندگان خردسال خوراک های لذیذ نوروزی و کلهج های عیدانه آماده میسازد.

صبح با صفا بچه ها و دخترکان سرو لباس عیدانه به بر کرده، خلتجه مخصوص برای نوروزی دوخته شده را به دست گرفته، از خانه بیرون می آیند و در یک جای معین جمع شده، از بین خود یکی را راهبلد انتخاب میکنند و در دست راهبلد عصایست که در نوک آن گل و سبزه نورسته آویزان است. بعداً راهبلد عصا را بلند می بردارد و با آواز آمرانه خاص «ا تریم رفتم» گویان فرمان میدهد. (البته همه این رفتار با خنده و شادی است) همه از پس راهبلد صف میکشند و بیت زیر را زمزمه کرده به راه می درایند:

نور عید میت است پولات شاد و نت

یکی روغنی کلهج شیت تفرنت آزاد و نت

یعنی روز نوروز است، بچه ها شاد شوند، یک تایی کلهج روغنیشان بدهند و آزاد شوند.

همین طور با نوبت به خانه های همدهان میروند. بالای بام هر خانه سفدیان یغنا بر جاسکی روزن هست. وقتی بچه ها به نزد روزن میرسند، آنرا باز کرده با یک آواز چنین صدا میکنند: سه سال مبارک وات (سال نو مبارک باد) و دوام میدهند:

سال نو آمد سال نو مبارک باد!

کلهج روغنی و دلده به گوشتن میباد!

صاحبخانه زن در جواب میگوید: نیک وات، نیک

وات، نیک وات! (نیک باد، نیک باد، نیک باد!)

بعد از این آن زن جمجه (قاشق) کلان جوبین را به بالای

بام خانه (از درون) می پرتابد و از بچه های روی بام



لیتر و روغن و روغن زرد تا دو کلا و مغز و مویز، اینچنین دیگر خوراکیهای عیدانه می آرد. آنجا از شیر و روغن و کلچه چنگالی تیار میکنند، بعد همه طبخهای چنگالی را به ظرف کلانی میریزد (یعنی به لعلی های کلان مسی) تا همه اهل دیهه از یک جا نان و نمک خویش را بچشند و دوستی و رفاقت آنها از هر ساله دیده قوی تر گردد. پس رئیس جشن (پیر دیهه) از میزبانان خواهش میکند که خوراک سال نوی را تقسیم بکنند. سر اول به نورسال چنگالی میدهند، پس از کسانی که در خدمت زیر پرچمند یاد آور شده تعبیه شان را به خانواده آنها میفرستند. اشخاصی را هم که در بزم شرکت نداشتند یاد آور شده نصیبی ایشان به اهل خاندانشان فرستاده میشود. بعد انجام همه این، باقیمانده خوراک را به لعلی و طبقها کشیده به مهمانان میدهند و در آخر به دوره نوروزی میباشند ■

می پرسد: چمچه رو بالا افتاد یا پرو؟ این جا عجیب سری نهفته است، اگر دهان چمچه به طرف بالا باشد، سال سال نیک است. فراوانی، سیری و پری، بابرار و اگر دهان چمچه به طرف پایین (پرو) باشد سال برای کشاورزان بیبار می آید. بچه ها را با... پاسخ یک کاسگیک دلدله (نام خوراک عبدانه یغنائی) شیر و گوشت و یک تایی کلچه با روغن خود که در روی هر یکش به مقدار معین روغن زرد یا مسکه هست نصیب میشود. همین طور بچه ها تمام دیهه را گشته همدیگان خود را با فرارسی نوروز مبارکباد میگویند و به خانه هایشان میروند. بچه ها اگر در انثای بازگشت به مردها از جمله با والدان خود دچار آیند، از آنها طلب میکنند که برایشان تحفه سال نوی بدهند. مردها در نوبت خود از بچه ها خواهش مینمایند که اول یگان شعر یا سرود نوروزی بخوانند و از جانب بچه ها جشن بیتها صدا میدهند:

پدرجان عید نوروزت مبارک

برابر شد شب و روزت مبارک

\*\*\*

نوروز شده باران،

من خرد ترک نادان

من در طلب علم

روزی بدهد سبحان

\*\*\*

روز نوروز است عالمانه منور میشود

زینت روی زمین از سیزدها سر میشود

مردها تنها بعد از این به بچه ها عیدانه میدهند و سپس به جمع آمدگاه رهسپار میگردند. آدمان میانسال و کلان سال سائتهای ده - یازده صبح در جمع آمدگاه دیهه حاضر میشوند. هر شخص همراه خود به نوروزگاه یک تایی وارزه (طبق چوبین)، یک فطیر یا کلچه، شیر جوشانیده شده - سه - چهار

